

## اثیرالدین ابهری صاحب کشف الحقایق

محمود عباسی\*

### چکیده

اثیرالدین ابهری از علمای قرن هفتم هجری و دارای آثار و تألیفات فراوانی در حوزه‌های مختلف علوم به‌ویژه فلسفه است. آثار این حکیم مسلمان قرن‌ها در سایر سرزمین‌های اسلامی مورد توجه و تدریس بوده و نکات بدیعی را در منطق و فلسفه پدید آورده است. در این نوشتار علاوه بر معرفی ابهری به بخش الهیات کتاب کشف الحقایق وی و نحوه تصحیح آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژه: اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری، هانری کربن، کشف الحقایق، دیوان شعر، روش تصحیح.

اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری از مشاهیر حکمای اسلام و از شاگردان بزرگ فخررازی است که در ابهر زنجان متولد شده است. برخی وفات وی را سال ۶۶۰ ه. ق<sup>۱</sup> و برخی دیگر ۶۶۳ ه. ق<sup>۲</sup> و ابن اعبری سال ۶۶۱ ه. ق می‌داند. حاجی خلیفه در کتاب کشف الظنون در ذیل کتاب کشف الحقایق وفات او را ۶۶۳ ه. ق و در دنباله کتاب المغنی فی الجدل ۷۰۰ ه. ق ضبط نموده است ولی با توجه به این که وفات وی در زمان هلاکو خان مغول بوده است، سال ۶۶۳ ه. ق قول معتبرتری است. او به علت فتنه مغول به شام رفت و در خدمت محیی‌الدین محمد بن سعید بن ندی (متوفای ۶۵۱ ه. ق) در دمشق زیست. سپس به بلاد روم (آسیای صغیر) رفته از محضر کمال‌الدین یونس موصلی فقیه و ریاضیدان و منطقی (متوفای ۶۳۹ ه. ق) در موصل و اربل با وجود

\* کارشناس ارشد فلسفه اسلامی و مدرس دانشگاه علمی کاربردی زنجان.

Email: mahmood\_abba30@yahoo.com

بزرگی سن و مقام والای علمی، ریاضیات و نجوم آموخت. ابن شاکر در احوال اسماعیل عمادالدین ابوالفداء صاحب حماة می نویسد:

او دوستدار اهل علم بود و آنان را به خویش نزدیک می کرد. اثیرالدین ابهری به خدمت او پیوست. و نزد او اقامت گزید و ابوالفداء برایش نقدینگی که کفاف مخارج او را نماید مرتب کرد.<sup>۳</sup>

هانری کوربن وی را از جمله اندیشمندان سنی آورده و با عناوین فیلسوف و ریاضیدان و عالم هیئت معرفی کرده است.<sup>۴</sup>

کثرت آثار و تعدد نوشته های ابهری گواه بر تسلط او بر علوم زمان خود است. او اکثر اوقات خود را به تدریس علوم و تعلیم طلاب و تألیف کتاب گذرانده است.

کتاب الهدایة وی که در حکمت طبیعی و الهی است در تمام ممالک اسلامی مشهور و مدتی کتاب درسی طلاب حکمت بوده و شروح مختلفی بر آن نوشته شده که مهم ترین آنها شرح فاضل حرزبانی و حسین معین الدین میبیدی و ملاصدرای شیرازی است. کتاب دیگر وی المنطق که به ایساغوجی معروف است در خصوص علم منطق بوده و از سوی شمس الدین احمد فناری (۸۳۴ ه. ق) شرح و در قسطنطنیه چاپ شده است که اکنون در کشورهای ترکیه و عراق و پاکستان از متون درسی به شمار می رود.<sup>۵</sup>

نجم الدین کاتبی قزوینی (۶۰۰-۶۷۵ ه. ق) از شاگردان بنام اثیرالدین است که شرحی آزاد بنام مبسوط جامع الدقائق فی کشف الحقایق بر کتاب کشف الحقایق ابهری نگاشته است.<sup>۶</sup>

آثار دیگر ابهری عبارتند از:

۱. تزیل الافکار فی تعدیل الاسرار در منطق طبیعیات و الهیات که خواجه نصیرالدین طوسی بر آن نقد مفصّلی به نام تعدیل المعیار فی نقد تزیل الافکار نوشته است.
۲. الکشف در منطق به زبان عربی
۳. زبدة الاسرار در فلسفه به زبان عربی
۴. غایة الادراک فی درایة الافلاک
۵. منطق، رساله مختصری به زبان فارسی
۶. آغاز و انجام، رساله مختصری به زبان فارسی
۷. کلمات عشره، رساله مختصری به زبان فارسی
۸. المحصول در مقابل التحصیل بهمینار، شاگرد مشهور ابن سینا
۹. المسائل، در زمینه کلام
۱۰. الرسالة الزاهرة فی بیان فساد المقدمات الجدلیه
۱۱. المغنی، در علم جدل و آداب بحث و مناظره
۱۲. التهذیب النکت (نکت از ابواسحاق ابراهیم بن شیرازی متوفای ۴۷۶ ه. ق است)
۱۳. حاشیه بر شرح ملخص فخررازی
۱۴. منتهی الافکار فی

ابانة الاسرار در منطق، الهیات و طبیعیات ۱۵. خلاصة الافكار و نقاوة الاسرار در علم منطق ۱۶. دقائق الافكار در منطق ۱۷. عنوان الحق و برهان الصدق در منطق طبیعیات، الهیات ۱۸. رساله من پرکار القطوع حررها الامام اثیرالدین المفضل الابهري ۱۹. رساله اسطرلاب ۲۰. مختصر فی علم الهيئة ۲۰. الزیج الاختیاری ۲۲. الزیج الشامل ۲۳. سه رساله در هیئت و نجوم ۲۴. اصلاح الهندسه ۲۵. الخلاف در فقه شافعی ۲۶. شرح ایساغوجی ۲۷. کشف الحکمة در فلسفه ۲۸. اصلاح استسعات ۲۹. الاشارات در مقابل اشارات ابن سینا ۳۰. الیابان ۳۱. دیوان شعر.<sup>۷</sup>

در تذکره عرفات آمده است که اثیرالدین ابهری از افاضل و اکابر است و صاحب دیوانی است که سه هزار بیت دارد از جمله این رباعی منصوب به اوست:

تا کی مدد نفس بدآموز کنم      خلقی ز وجود خود غم‌اندوز کنم  
من بعد بر آنم که به قرصی چو فلک      روزی به شب آرام و شبی روز کنم

ابهری در منطق، سه ضرب بر پنج ضرب ارسطو در شکل چهارم قیاس اقترانی افزوده<sup>۸</sup> و برای سالبه جزئی در بعضی موارد چون عرفیه وجودیه صور عکس ثابت نموده است.<sup>۹</sup>

انگیزه مؤلف از نوشتن کتاب کشف الحقایق فی التحریرالدقایق در مقدمه کتاب وجود شبهه در اصول و معانی علم طبیعی و ماقبل (الهیات) و قوانین منطق در کتب موجود بیان شده و افزوده است که به همین خاطر قصد نوشتن کتابی نموده که در آن خلاصه کلام حکماء معتبر گذشته به همراه تبیین حق و باطل و صواب و خطاء جمع شده باشد.

از تأمل در گفتار ابهری می‌توان انتقاد وی را نسبت به مباحث منطقی و طبیعی و الهی عصر خود دریافت نمود.

کتاب کشف الحقایق مرکب از سه بخش منطق، الهیات و طبیعیات است که برخلاف ترتیب مرسوم آن زمان (منطق، طبیعیات و الهیات) به صورت (منطق، الهیات، و طبیعیات) نگاشته شده است. بخش منطق یک مقدمه و پنج مقاله، بخش الهیات سه مقاله و یازده مطلع و چهل و سه لامع و شانزده بحث، طبیعیات آن نیز چهار مقاله دارد. سبک نگارش ابهری همان گونه که دانشمندان قرن هفتم هجری همچون کاتبی دارند، عناوین به صورت پاسخ قاطع به مسئله طرح و بعد جنبه سؤالی پیدا می‌کند و غالباً خالی از داوری و فقط گزارش آراء و نقد آنهاست. به همین خاطر، مختصر، ساده و روان بوده

و مناسب برای متون آموزشی و درسی است. ابهری از اقوال حکمائی چون ابن سینا (۵ مورد)، شیخ اشراق (۳ مورد)، امام فخر رازی (۱۵ مورد)، افلاطون و فضلالی متأخر و ملیون (۱ مورد) نقل و نقد نموده است. از دقت در محتوا و تعداد نقل و نقد او می توان پی برد که استادش امام فخر را بیشتر و شیخ اشراق را کمتر از دیگران مورد نقد قرار داده است. و شاید همین مطلب گواهی بر نزدیکی سبک فلسفی ابهری به شیخ اشراق سهروردی است؛ گرچه ابهری خود را در فلسفه صاحب سبک می داند و در چارچوب تفکر فلسفی موجود در آن زمان نمی گنجد و در مسئله اساسی وجود، مخالف نظر شیخ اشراق و حتی امام فخر و موافق ابن سیناست.

### معرفی نسخه های خطی کشف الحقایق

۱. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به خط نسخ مربوط به اواخر قرن هفت یا اوایل قرن هشتم هجری قمری است که همه آن را یک نفر نوشته و نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. از نظر نگارش، خوش خط، دقیق و خوانا، با رسم الخط معمول آن زمان و با حاشیه های نسبتاً زیاد و دارای فصل بندی مشخص و ممتازی است و هر صفحه آن دارای ۲۳ سطر است.

گاهی در کنار صفحه ها حاشیه دارد که در پایان آن رمز (ه) وجود دارد و غالباً صبغه انتقادی و اندکی نیز توضیحی هستند و در مجموعه ۲۳۱۰ مجلس، تنکابنی به شماره ۲۵۹۳۵ قفسه ۳۹۷۳ نگهداری می شود. ترتیب آن به این صورت است که اول منطق از صفحه ۱ تا ۱۰۳ با یک مقدمه و پنج مقاله، الهیات از صفحه ۱۰۵ تا ۱۶۸ در سه مقاله، طبیعیات از صفحه ۱۶۹ تا ۲۱۲ و در چهار مقاله آمده است.

۲. نسخه خطی دارالکتب المصریه توسط محمود بن فقیه محمد بن شرفشاه در سال ۶۷۸ ه. ق به خط نسخ نوشته شده و در مجموعه ۱۳۴۵ دارالکتب المصریه شماره ۱۶۲ در ۷۳۲ صفحه ۲۱ سطری نگهداری و میکروفیلم آن در داخل مجموعه کشف الاسرار خونجی (ج ۴) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. این نسخه از نظر خط چندان زیبا نیست ولی غلط املائی و انشایی کمتری دارد و حاشیه آن نیز اندک و دارای سه بخش منطق از صفحه ۱ تا ۳۶۰، الهیات از صفحه ۳۶۰ تا ۴۳۶ و طبیعیات از صفحه ۴۳۶ تا ۴۷۰ است.

## روش تصحیح

از روش‌های معمول تصحیح یعنی مکانیکی، اجتهادی و توأم، روش سوم یعنی تلفیق و توأم استفاده شده است. بر این اساس نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، نسخه اصلی و نسخه مصر بدل بوده و در شرایط مساوی و فقدان مرجع متن نسخه مجلس ترجیح داده شده است. در غیر این صورت با توجه به قواعد و اقتضای ادبی و مفهومی متن اصلی از سوی مصحح انتخاب شده است.

## نتیجه

بهری بر فلسفه و منطق تسلط کامل داشته و سبک شیوه نگارش او علاوه بر این که روان، ساده و منظم بوده به یک مکتب فکری خاص اشراقی یا مشایی محدود نشده است. او چون استادش امام فخر رازی ذهنی نقاد و تحلیل‌گر داشته؛ از این رو تصحیح انجام یافته برای دانشجویان الهیات و فلسفه در سطح کاردانی و کارشناسی متن مناسبی است.



## پی‌نوشت‌ها

۱. محقق و...، ص ۳۶.
۲. کوربن، ص ۴۵۱.
۳. مدرس رضوی، ص ۱۸۳.
۴. همو، ص ۴۵۵.
۵. ریشتر، ص ۴۴۱.
۶. کاتبی قزوینی، ص ۶.
۷. همان، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ دهخدا، جلد ۱، ص ۸۱۸؛ محقق و ایزوتسو، ص ۳۸؛ مدرس رضوی، ص ۱۰۵.
۸. فرهادی، شکل چهارم قیاس اقترانی، استاد راهنما احمد فرامرزی قراملکی، سال ۱۳۷۸، دانشگاه تهران.
۹. ابن سینا، ج ۱، ص ۲۰۸.

## منابع

ابن سینا، الاشارات و التنبیها، الجزء الاول، مع شرح خواجه طوسی و فخر رازی، نشر البلاغه، قم، ۱۳۷۵.

اشپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، علمی و فرهنگی، ۱۳۵۱.  
 حائری، عبدالحسین، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، بخش اول، ج ۹، ۱۳۴۶.  
 حلبی، علی اصغر، تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز تا امروز، زوار، تهران، ۱۳۵۱.  
 دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ مجلس، ج ۳ (ابوسعید - اثبات) ۱۳۲۵.  
 ریشتر، نیکلا، تطور المنطق العربی، ترجمه محمد مهرا، دارالمعارف مصر، ۱۹۸۵ م.  
 صدر حاج سید جوادی، احمد، دائرة المعارف تشیع، ج اول، بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۶.  
 عمویی، فرح، تصحیح و تحقیق بخش منطق کشف الحقائق ابهری، زیر نظر مقصود محمدی واحد  
 فرامرز قراملکی، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، ۱۳۷۷.  
 فرهادی، شکل چهارم قیاس اقترانی، استاد راهنما، احد فرامرز قراملکی، دانشگاه تهران،  
 ۱۳۷۸.

کاتبی قزوینی، نجم الدین، ایضاح المقاصد من حکمه عین القواعد، شرح علامه حلی، به اهتمام  
 سید محمد مشکوه، تصحیح، علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.  
 کاتبی قزوینی، نجم الدین، فلسفه مابعدالطبیعه، ترجمه مدرس گیلانی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات  
 فرهنگی، ۱۳۶۲.

کوربن، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبائی، کویر، ۱۳۷۳.  
 محقق، مهدی و ایزوتسو، توشی هیکو، منطق و مباحث الفاظ (مجموعه متون و مقالات تحقیقی)،  
 دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

مدرس رضوی، محمد تقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، اساطیر، چاپ دوم،  
 ۱۳۷۰.

مدرسی (زنجان)، محمد، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

العلم الثاني علم ما قبل الطبيعة ويسمى العلم المتقن لا يشتمل على علم الربوبية وفيه ثلاث مقالات  
**المقالة الأولى** يشتمل على لبعة مطالب في المسئلة الأولى في الوجود  
 وفيه سبعة لوازم في الالامع الأولى في أنه مشترك بين الموجودات وبيان من وجوده  
 أحدها أنا تصور معنى الوجود بالبدية ويجوز صدقه على كل موجود من الوجودات  
 ولولم يكن ذلك المتصور مشتركاً بيننا لاستحالة الجزر بصدقه على كل واحد من الكائنات  
 أنا تصور مفهوم الوجود والعدم بالبدية ويجوز بانه متى كذب الثاني على الشيء صدق  
 الأول عليه ولولم يكن الوجود مشتركاً بين الموجودات لما لم يكن كذب الثاني على الشيء  
 جزم العقل صدق الأول عليه لاحتمال كذبها حينئذ القائل أنه متى حصل الجزر  
 يكون الشيء في المعيان حصل الجزر بوجوده ولو كان للوجود مفهومان للمخاض من الجزر  
 يجرى كون الشيء في المعيان صدق الوجود عليه لاحتمال كذب غير من المفومات عليه عند  
 الجزر بمجرد كونه في المعيان في الالامع المتساوية في الوجود الممكنات فالذي على ما هي  
 لأنه ولولم يكن ايها فاما ان يكون نفس الماهية او داخلها والسمان بالمطالان  
 الأول في وجوده أحدها ان الوجود مشترك بين الموجودات كلها ولا شيء من الماهيات الممكنة  
 كذلك الثاني ان الماهية الممكنة بشرط وجودها محب وجودها وهي من حيث هي محبت  
 لا يجب وجودها فالماهية بشرط الوجود فغير الماهية من حيث هي فالوجود لا يغير الماهية  
 من حيث هي من الالامع ان الوجود لو كان نفس الماهية الممكنة لكان قولنا السواد موجود  
 مثل السواد سواد والوجود موجود بمعنى واحد والثاني كاذب لأن الجزر بصدق الخير  
 يجرى تصور عنوان القضية ولا كذلك الأول ولتساوي الثاني فلان الوجود لو كان داخل  
 في الماهية فالماهية ان كانت بسيطة لم تكن لها لفظ وموصل وان كانت مركبة كان وجود  
 الماهية متقدماً عليها لوجوده عند الجزر على الكائن فالقول لو كان الوجود انما يلحق

العلم الثاني علم ما قبل الطبيعة ويسمى العلم المتقن لا يشتمل على علم الربوبية وفيه ثلاث مقالات  
 المقالة الأولى يشتمل على لبعة مطالب في المسئلة الأولى في الوجود  
 وفيه سبعة لوازم في الالامع الأولى في أنه مشترك بين الموجودات وبيان من وجوده  
 أحدها أنا تصور معنى الوجود بالبدية ويجوز صدقه على كل موجود من الوجودات  
 ولولم يكن ذلك المتصور مشتركاً بيننا لاستحالة الجزر بصدقه على كل واحد من الكائنات  
 أنا تصور مفهوم الوجود والعدم بالبدية ويجوز بانه متى كذب الثاني على الشيء صدق  
 الأول عليه ولولم يكن الوجود مشتركاً بين الموجودات لما لم يكن كذب الثاني على الشيء  
 جزم العقل صدق الأول عليه لاحتمال كذبها حينئذ القائل أنه متى حصل الجزر  
 يكون الشيء في المعيان حصل الجزر بوجوده ولو كان للوجود مفهومان للمخاض من الجزر  
 يجرى كون الشيء في المعيان صدق الوجود عليه لاحتمال كذب غير من المفومات عليه عند  
 الجزر بمجرد كونه في المعيان في الالامع المتساوية في الوجود الممكنات فالذي على ما هي  
 لأنه ولولم يكن ايها فاما ان يكون نفس الماهية او داخلها والسمان بالمطالان  
 الأول في وجوده أحدها ان الوجود مشترك بين الموجودات كلها ولا شيء من الماهيات الممكنة  
 كذلك الثاني ان الماهية الممكنة بشرط وجودها محب وجودها وهي من حيث هي محبت  
 لا يجب وجودها فالماهية بشرط الوجود فغير الماهية من حيث هي فالوجود لا يغير الماهية  
 من حيث هي من الالامع ان الوجود لو كان نفس الماهية الممكنة لكان قولنا السواد موجود  
 مثل السواد سواد والوجود موجود بمعنى واحد والثاني كاذب لأن الجزر بصدق الخير  
 يجرى تصور عنوان القضية ولا كذلك الأول ولتساوي الثاني فلان الوجود لو كان داخل  
 في الماهية فالماهية ان كانت بسيطة لم تكن لها لفظ وموصل وان كانت مركبة كان وجود  
 الماهية متقدماً عليها لوجوده عند الجزر على الكائن فالقول لو كان الوجود انما يلحق

هذا العلم الثاني علم ما قبل الطبيعة ويسمى العلم المتقن لا يشتمل على علم الربوبية وفيه ثلاث مقالات  
 المقالة الأولى يشتمل على لبعة مطالب في المسئلة الأولى في الوجود  
 وفيه سبعة لوازم في الالامع الأولى في أنه مشترك بين الموجودات وبيان من وجوده  
 أحدها أنا تصور معنى الوجود بالبدية ويجوز صدقه على كل موجود من الوجودات  
 ولولم يكن ذلك المتصور مشتركاً بيننا لاستحالة الجزر بصدقه على كل واحد من الكائنات  
 أنا تصور مفهوم الوجود والعدم بالبدية ويجوز بانه متى كذب الثاني على الشيء صدق  
 الأول عليه ولولم يكن الوجود مشتركاً بين الموجودات لما لم يكن كذب الثاني على الشيء  
 جزم العقل صدق الأول عليه لاحتمال كذبها حينئذ القائل أنه متى حصل الجزر  
 يكون الشيء في المعيان حصل الجزر بوجوده ولو كان للوجود مفهومان للمخاض من الجزر  
 يجرى كون الشيء في المعيان صدق الوجود عليه لاحتمال كذب غير من المفومات عليه عند  
 الجزر بمجرد كونه في المعيان في الالامع المتساوية في الوجود الممكنات فالذي على ما هي  
 لأنه ولولم يكن ايها فاما ان يكون نفس الماهية او داخلها والسمان بالمطالان  
 الأول في وجوده أحدها ان الوجود مشترك بين الموجودات كلها ولا شيء من الماهيات الممكنة  
 كذلك الثاني ان الماهية الممكنة بشرط وجودها محب وجودها وهي من حيث هي محبت  
 لا يجب وجودها فالماهية بشرط الوجود فغير الماهية من حيث هي فالوجود لا يغير الماهية  
 من حيث هي من الالامع ان الوجود لو كان نفس الماهية الممكنة لكان قولنا السواد موجود  
 مثل السواد سواد والوجود موجود بمعنى واحد والثاني كاذب لأن الجزر بصدق الخير  
 يجرى تصور عنوان القضية ولا كذلك الأول ولتساوي الثاني فلان الوجود لو كان داخل  
 في الماهية فالماهية ان كانت بسيطة لم تكن لها لفظ وموصل وان كانت مركبة كان وجود  
 الماهية متقدماً عليها لوجوده عند الجزر على الكائن فالقول لو كان الوجود انما يلحق

تصوير صفحة أول كشف الحقائق، نسخة مجلس شورای اسلامی

دوره جدید، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۷ (پایه ۴۳)